بررسی تحلیلی اجباری یا اختیاری بودن حجاب

علی اصغر شورگشتی[۱]
محمدعلی وطن دوست[۲]

چکیده

یکی از نیازهای اساسی یک جامعه در زمینه‌های اخلاقی، تربیتی، دینی و فرهنگی مسأله حجاب است. به هر میزان که در یک جامعه حجاب جایگاه والاتری داشته باشد، معنویت و دینداری پرنگ‌تر و رشد و تعالی در جامعه اسلامی بیشتر خواهد شد. آثار تربیتی حجاب در دو بعد فردی و اجتماعی رخ می‌نماید. در بعد فردی آن، رعایت حجاب به نوبه خود باعث حفظ بنیان خانواده، سلامت جسمانی، سلامت اخلاقی، حفظ امنیت و آرامش و در زمینه اجتماعی آن، حفظ حجاب باعث آزادی و پویایی زن، سلامت اخلاقی جامعه، حفظ استقلال فرهنگی و حفظ نیروی کار و اقتصاد می‌شود. در این مقاله بر آن شدیم تا روشن سازیم جایگاه حجاب در دین و اجتماع چیست و اینکه حجاب امری اختیاری است یا اجباری.

کلید واژه‌ها: حجاب، بنیان خانواده، اجباری‌بودن، اجتماعی‌بودن حجاب

۱. طلبه سطح دو وسه رشته تخصصی فلسفه و کلام.
۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

در جامعه کنونی ما یکی از اساسی‌ترین چالش‌هایی که همواره مورد بحث و بررسی حزب‌ها و گروه‌های مختلف بوده، مسأله حجاب است. بعضی از احزاب و گروه‌های معاند برای پیشبرد مقاصد خود و در جهت منافع خویش از حجاب تفاسیر گوناگونی داشته و به نفع خود حجاب را معنا کرده‌اند.

نگارنده در این مقاله کوشیده است با بیان معنا و مفهوم واژه حجاب و بررسی تحلیلی مفهوم لغوی و اصطلاحی آن، معنای درست آن را مشخص کند. سپس جایگاه حجاب در کلام معصومین را مورد بررسی قرار داده و همچنین بیان خداوند در مورد حجاب را روشن می‌نماید. بعد از روشن‌شدن معنای درست و جایگاه والای حجاب، یک مسأله مهم خودنمایی می‌کند و آن این است که حجاب چه جایگاهی در زندگی اجتماعی دارد؟!

با بحث‌هایی که مطرح می‌شود، مشخص می‌شود که حجاب یکی از اساسی‌ترین مقوله‌هایی است که باعث حفظ امنیت و آرامش جامعه و حفظ استحکام خانواده می‌شود و همین مسأله علاوه بر اینکه یک حکم شرعی واجب نیز هست، سبب شده است که حجاب یک مسأله اجباری و رعایتش برای افراد جامعه امری ضروری باشد.

از همین رو همواره در این مقاله سعی شده که با رعایت سیر منطقی و با بررسی تحلیلی، ابتدائاً معنی و مفهوم حجاب به درستی واضح شود تا شبهاتی که درباره معنی واژه حجاب مطرح شده برطرف شود. بعد از مشخص شدن معنا و داشتن درک صحیحی از آن به سراغ کلام معصومین علیهم‌السلام رفته‌ایم تا جایگاه حجاب در کلام آن بزرگواران نیز تبیین شود و اهتمام معصومین علیهم‌السلام نسبت به مسأله حجاب واضح گردد. تا با کمک‌گرفتن از جایگاه حجاب در منظر معصومین علیهم‌السلام و بررسی جایگاه حجاب در اجتماع و اینکه حجاب سر منشأ آرامش‌های روحی ـ روانی در یک جامعه است و اضافه کردن یک مطلب مهم و آشکار که همان وجوب شرعی حجاب است، به این نتیجه برسیم که حجاب به عنوان یک مسأله و یک چالش فردی ـ اجتماعی،

یک حکم اجباری است. همچنین در جامعه اسلامی امروزی هم یک قانون مدنی و اجتماعی است و رعایتش بر تمامی افراد جامعه الزامی است و سر پیچی از آن جرم به حساب آمده و مستحق مجازات است.

مفهوم لغوی حجاب

از دیدگاه لغویون، حجاب یک واژه معنوی است که به معنای «در پرده قرار دادن» است. از دیدگاه ابن درید، حجاب به معنای پوششی است که روی چیزی قرار می‌گیرد و زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود، عرب می‌گوید:

«احتجبت الشمس فی السحاب.» (ابن دُرید، ۱۹۸۷م: ۲۵۴/۱)

فیومی نیز درباره حجاب این چنین می‌گوید:

«حجب، فعلی متعدی است و به معنای مانع‌شدن به کار می‌رود و به پرده نیز حجاب می‌گویند.» (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۰/۱)

از دیدگاه‌ها و رفتار اهل لغت، می توان نتیجه گرفت که حجاب به معنای پوششی است که چیزی را دربرمی‌گیرد و مانع از دیده شدن آن شیء می‌شود.

و استاد مطهری نیز در پی تحقیقات لغوی واژه حجاب به این نتیجه رسیده است که حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده که استعمال بیشتر آن در معنای پرده است و پرده از آن جهت معنای پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و به همین جهت شاید بتوان گفت که هر پوششی حجاب نیست و آن پوششی حجاب است که از طریق پشت پرده واقع شدن به وقوع بپیوندد. (مطهری، ۱۳۶۷: ۵۲/۱)

مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علوم گوناگون تعریف خاص خود را دارد، اما معنای لغوی آن در علم فقه تغییری پیدا نکرده و در واقع به همان معنای پرده و حائل میان دو چیز به کار برده شده است.

اما در دوران متأخر، این واژه معنای جدیدی پیدا کرده است و به پوشش مخصوص زنان اطلاق گردیده است. شهید مطهری در این‌باره می‌فرماید:

اینکه واژه حجاب در مورد پوشش زنان به کار می‌رود یک اصطلاح جدیدی است و در قدیم به خصوص در اصطلاح علمای فقه (فقها)، کلمه ستر به معنای پوشش است.

فقها در کتاب «الصلاة» و کتاب «النکاح» که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را و همان بهتر بود که ما این کلمه را عوض نمی‌کردیم و در واقع همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد معنای شایع حجاب همان پرده است و اگر در باب پوشش استعمال شود به معنای پشت پرده واقع شدن زن است که همین مطلب باعث شده بعضی‌ها گمان باطل کنند که اسلام خواسته است زن پشت پرده باشد و در خانه بماند و بیرون نرود و در واقع همین معنای اشتباه، سر منشأ این عقیده باطل شده است.

در حالی که از دیدگاه اسلام، پوشش زن به معنای این است که در مقابل مردان نامحرم خود را بپوشاند و خود را برای آنها نیاراید و جلوه نمایی نکند. فتوای فقها نیز همین مطلب را تأیید می‌کند و در آیات قرآن نیز کلمه حجاب به کار نرفته است. در آیات مربوط به پوشش زنان، حد و حدود پوشش زنان را بیان کرده و تنها جایی که در قرآن، کلمه حجاب به کار رفته مربوط به زنان پیامبر اسلام است.

طبق آنچه بیان داشتیم مشخص می‌شود که معنای اصطلاحی جدید حجاب آن است که حجاب نوعی پوشش است که زنان باید در مقابل مردان نامحرم استفاده کنند و از طنازی در مقابل نامحرمان بپرهیزند.

در این مقاله، همین معنای جدید اصطلاحی مدنظر است، نه پرده نشینی و انزوا گزینی زنان. در این مقدار هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که حجاب به این معنا از ضروریات ادیان ابراهیمی است و همچنین از احکام ضروری اسلام است و تمامی فرق اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.

جایگاه حجاب در علم کلام

بعد از آنکه با معنای لغوی و اصلاحی حجاب آشنا شدیم و به وجهی به بررسی و تحلیل مفهومی حجاب پرداختیم، اکنون باید این مسأله را مورد عنایت خویش قرار

دهیم که حجاب در علم کلام و در کلام خداوند و معصومین چه جایگاهی دارد؟! و دیدگاه خداوند و ائمه معصومین علیهم‌السلام نسبت به مسأله حجاب چگونه است و اهمیت حجاب در کلام ایشان تا چه حد و اندازه است.

به همین خاطر ابتدا جایگاه حجاب در قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس برای نشان‌دادن اهمیت حجاب در کلام معصومین علیهم‌السلام چند نمونه از کلام معصومین علیهم‌السلام را در این باره ذکر خواهیم کرد.

جایگاه حجاب در قرآن

مسأله حجاب در قرآن در دو قسمت و در دو جا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که ابتدائاً به صورت کلی در سوره احزاب و سپس به صورت تفصیلی در سوره نور بدان اشاره شده است.

خداوند در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست و باید روسری خود را بر گردنِ خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم‌کیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان! همگی [از مرد

و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.»

و در آیه ۶۰ سوره نور می‌فرماید:

«وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللاَّتِی لاَ یَرْجُونَ نِکَاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیَابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَةٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ؛ و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است و خدا شنوای داناست.»

همچنین در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور کلینی از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«روزی جوانی با زنی از جماعت انصار رو به رو شد. در آن زمان زنان حجابشان به گونه‌ای بود که گردن و بناگوش ایشان قابل رویت بود.

آن جوان آن را تماشا کرد و محو دیدن آن شده بود به گونه‌ای که بعد از اینکه از آن زن رد شده بود همچنان از پشت سر به آن زن نگاه می‌کرد و در همین حال به کوچه ای وارد شد و ناگهان صورتش به تکه استخوانی که از دیوار بیرون زده بود، برخورد کرد و شکست. وقتی به خودش آمد، دید که خون از سر و رویش سرازیرشده است. بعد از این ماجرا با خود عهد کرد که نزد پیامبر آید و قصه را نقل کند.

بعد از آنکه خدمت رسول خدا رسید، قضییه را بازگو کرد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از احوال وی جویا شد؛ سپس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکَی لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ؛ به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.» (نور، ۳۰)، (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۵۲۰/۵)

تاکنون با اهمیت حجاب زن از دیدگاه قرآن آشنا شدیم و دانستیم که خداوند برای زنان، حد خاصی از حجاب و پوشش تعریف و مشخص کرده و رعایت آن را هم بر تمامی زنان واجب گردانیده است؛ زیرا همان‌گونه که از آیات مذکور مشخص شد خداوند زنان را به رعایت حجاب امر کرده است و صیغه امر نیز در وجوب، ظهور دارد.

حال بعد از آیات قرآن به بررسی چند روایت از ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز می‌پردازیم.

جایگاه حجاب در کلام معصومین علیهم‌السلام

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از اسماء در حالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود رو برگرداند و گفت: ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و آن که حضرت اشاره به مچ دست به پایین و صورتش نمود. (ابن داوود، ۱۴۲۰: ۶۲/۴)

۱. امام صادق علیه‌السلام: برای زن مسلمان جایز نیست که روسری و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند. (عاملی، ج۳۰، ص،۱۴۱۴،۵۲۸۱ق)

۲. از امام صادق علیه‌السلام سوال شد: آیا آرنج زن مچ از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم بپوشانند؟ فرمود: بلی آنچه زیر روسری قرار گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشانده شود. (کلینی، ج۲، ص ۱۳۸۸،۵۵۸ق)

۳. امام صادق علیه‌السلام در مورد زینتهایی که جایز است زن در مقابل نامحرم ظاهر کند فرمود: صورت و کف دو دست. (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۰۴/ ۳۳)

۴. از امام صادق علیه‌السلام سوال شد برای مرد نامحرم نگاه‌کردن به چه قسمت از بدن زن جایز است؟ فرمود: چهره وکف دو دست. (کلینی، ج۵، ص ۱۳۸۸،۵۲۱ق)

۵. امیر المؤمنین علیه‌السلام فرمود: بر شما لازم است لباس ضخیم (بیرون از منزل در برابر نامحرم) بپوشید. هر کسی که لباسش نازک است دین او مثل لباسش ضعیف و نازک است. (عاملی، ج۳، ص ۱۴۱۴،۳۵۷ق)

و همچنین روایات متعدد دیگری نیز درباره حجاب از ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله صادر شده که به دلیل محدودیت از ذکر آن معذوریم.

و اما نکته قابل توجه اینکه از بررسی روایات وارده در مورد مسأله حجاب به این نتیجه می‌رسیم که دو نکته در روایات صادره از معصومین علیهم‌السلام بیشتر خود نمایی می‌کنند که عبارتند از:

۱. اینکه حجاب چه جایگاه والایی در دین دارد و معصومین علیهم‌السلام بزرگوار نیز همانند خداوند تأکید فراوان بر حفظ و رعایت آن دارند و هرکس که از آن روی گرداند آن را به شدت مذمت می‌کنند. همین نکته نشان دهنده اهمیت بالای حجاب چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی است.

۲. دومین نکته هم این است که در روایات وارده، حد و محدوده حجاب به شکل واضح، تبیین و مشخص شده و دیگر جای اشکال در محدوده حجاب نیست. به این بیان که با توجه به روایات درمی‌یابیم که محدوده حجاب به صورت کامل مشخص شده و اگر مکلف به درستی سیره معصومین علیهم‌السلام را مطالعه کند دیگر به شبهه‌ها و عقیده‌های اشتباه دچار نمی‌شود. همان‌گونه که در معنای اصطلاحی حجاب ذکر شد که بعضی‌ها به خاطر برداشت معنای اشتباه از حجاب به بیراهه رفته‌اند.

بعد از روشن‌شدن معنا و جایگاه حجاب، اکنون وارد حیطه جدیدی می‌شویم و آن حیطه و بعد جدید حجاب، همان بعد اجتماعی بودن حجاب است. در ابتدای این حیطه از مسأله حجاب، به یک چالش جدی برخواهیم خورد و آن اینکه آیا حجاب امری اختیاری است یا ضروری و اجباری؟!

جایگاه حجاب در زندگی اجتماعی

یکی از حقوق مسلم تمامی شهروندان یک جامعه، داشتن آرامش و امنیت روحی افراد آن جامعه است و مهمترین عامل به وجود آمدن این امنیت و آرامش روحی ـ روانی در یک مجموعه، همان حجاب است. به این بیان که با از بین رفتن مقوله حجاب و آزادی معاشرت‌های همراه با بی بند و باری میان زنان و مردان و رعایت‌نشدن حدود زنی و مردی، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی فزونی پیدا می‌کنند و حرص و ولع در امور جنسی در بین افراد جامعه افزایش می‌یابد. همین بی بند و باری و هوسرانی، عامل بسیاری از فلاکت‌ها و بدبختی‌های روحی و اجتماعی است و از آن مهم‌تر باعث از بین رفتن بنیان مستحکم خانواده خواهد شد.

علاوه بر این نیز حجاب و پوشش مناسب بانوان زمینه آسیب‌پذیری مردان را کم می‌کند. نگاه به زیبایی‌های زن اگرچه به حد چشم‌چرانی که خود نوعی ناهنجاری به شمار می‌آید، نرسد، موجب انحراف از مسیر حق و خارج‌شدن از دایره کرامت و بندگی خداوند است و همین پوشش نامناسب بانوان و عدم رعایت حجاب موجب به وجود آمدن انحراف در مردان می‌شود.

همان‌گونه که ذکر شد یکی از فواید مهم حجاب، حفظ بنیان خانواده است و عدم رعایت حجاب موجب از هم گسستگی مهم‌ترین بنیان یک جامعه می‌شود.

به عبارتی دیگر، رعایت حجاب از دو جهت سلامت و پاکی اجتماع را تأمین می‌کند. یکی از جهت حفظ بنیان خانواده و تربیت فرزندان صالح و یکی هم به خاطر پاک نگه داشتن محیط اجتماع از غرایز حیوانی. در واقع در صورت پاک‌شدن جامعه از هواهای حیوانی، دیگر فسادهای اخلاقی که یکی از بزرگ‌ترین عوامل از هم پاشیدن خانواده‌ها و عامل اصلی طلاق‌های موجود است، از بین خواهد رفت و به سبب آن روابط بین زن و مرد در محیط پاک خانواده بیشتر و در نتیجه روابط خانواده مستحکم‌تر خواهد شد.

گرمی و استحکام کانون خانواده‌ها در بالابردن روحیه عمومی مردم جامعه تأثیر بسزایی دارد و وقتی کودکان در چنین خانواده‌هایی رشد و تعالی یابند، در هنگام ورودشان به جامعه نه تنها دچار بزهکاری و جرم نمی‌شوند؛ بلکه سر منشأ رشد و ترقی جامعه خواهند بود.

همچنین جامعه‌ای که در آن، روابط جنسی محدود به محیط خانواده و از طریق ازدواج باشد با جامعه‌ای که روابط جنسی در آن آزاد باشد، متفاوت است. در جامعه اول ازدواج پایان محدودیت و محرومیت و در جامعه دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در واقع آن جامعه از لحاظ روحی، مدنی، اخلاقی و روانی چیزی برای از دست دادن ندارد و دیگر امنیت و آرامش در آن جامعه حاکم نخواهد بود؛ زیرا ریشه و بنیان اصلی آن جامعه که خانواده باشد، متزلزل است و مثل این است که بخواهیم خانه‌ای بر

روی آب بنا کنیم. نکته قابل توجه در این مسأله این است که سر منشأ تمام آزادی‌های نامشروع جنسی که موجب به وجود آمدن هرج و مرج در خانواده می‌شود، همان رعایت‌نکردن حجاب و حفظ نکردن حریم مردانگی و زنانگی است.

حال که آثار حجاب در جامعه بررسی شد و دیدیم که حجاب چه تأثیر والایی در حفظ امنیت و آرامش یک کشور دارد و تا چه میزان می‌تواند باعث حفظ استحکام خانواده شود به بعد دیگری از مسأله حجاب می‌پردازیم تا به این نتیجه برسیم که آیا رعایت حجاب در جامعه اجباری است یا خیر؟

و آن بعد دیگر هم این است که بدانیم از لحاظ شرعی چه حکمی برای رعایت حجاب آمده و خداوند متعال در مورد حجاب برای بندگانش چه چیزی را مقرر نموده است.

بررسی حکم الهی درباره حجاب

در این قسمت از مقاله بر آن شدیم که با کمک گرفتن از علم اصول فقه ثابت کنیم حکم خداوند درباره مسأله حجاب، وجوب است و خداوند حجاب را بر بندگان خویش همانند سایر واجبات مثل: نماز، روزه و ... واجب گردانیده و اگر مکلفین آن را امتثال نکنند مستحق عذاب اخروی هستند و گناهکار محسوب می‌شوند.

خداوند در آیاتی از سوره نور بر بندگان امر کرده که حجاب را با آن تفاصیلی که گذشت رعایت کنید؛ اما بحثی که در این جا شایان بررسی است این است که صیغه امر بر چه چیزی دلالت می‌کند؟!

درباره این مسأله که صیغه امر بر چه چیزی دلالت می‌کند سه قول مطرح است. قول صحیح از دید تمامی علما در ما نحن فیه، همان وجوب است که علامه مظفر نیز به همین مسأله اشاره می‌کند:

«دلالت امر بر وجوب، به حکم عقل است، نه وضع و قرارداد و این عقل است که می‌گوید وقتی آمر به مأمور چیزی را امر کرد، انجامش بر مأمور واجب است؛ پس دلالت امر بر وجوب است، آن هم به حکم عقل و نه دلالت وضعی.»

از این بیان که حاکم در این مسأله، عقل است مشخص می‌شود که حکم عقل هم در مسأله ما همان وجوب است. عقل می‌گوید هر گاه شارع من را به مسأله‌ای امر کرد، من مکلف و موظف هستم که آن را اطاعت کنم. آیا از این قاعده، حجاب استثنا نیست و تمامی بندگان و مکلفین باید امر مولی را امتثال کنند و حجاب از لحاظ شرعی یک مقوله واجب است.

البته این نکته به عنوان خاتمه بحث شایان توجه است که حجاب یک عنوان شرعی است که وجوب آن نیز بر همین عنوان شرعی بار شده است؛ اما اجباری‌بودن آن عنوان شرعی نیست؛ بلکه عنوانی است که مربوط به زندگی روزمره افراد است و باید از طریق تطبیق‌دادن قواعد عام شرعی، حکم آن را به دست آورد. برای واضح‌شدن هرچه بیشتر این مسأله باید گفت که عنوانی شرعی، همانند «روزه‌گرفتن» یا «زنا» عنوان‌هایی شرعی هستند که حکم مورد اول وجوب و حکم مورد دوم حرمت است؛ اما «راه‌رفتن» یا «تفریح‌کردن»، عنوان‌هایی شرعی نیستند که با همین قید عنوان بودنشان، مستلزم حکمی خاص از سوی شارع باشند؛ بلکه باید دید به عنوان زیر مجموعه کدامیک از عموماتی که به صورت واضح بیانشان در دین آمده است، قرار می‌گیرند؛ مثلاً خوردن گوشت مردار حرام است؛ اما خوردن آن چیزی که لازمه حفظ حیات و زندگی انسان است واجب است. اگر امروزه، گذراندن دوره سربازی در جامعه اسلامی، اجباری است، نمی‌توان بر آن ایراد گرفت که در صدر اسلام، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه طاهرین علیهم‌السلام، کسی را مجبور به گذراندن دو سال خدمت نظامی نمی‌کردند!

دلیل این مطلب هم آن است که این عنوان که ذکرش گذشت، عنوانی شرعی نیست تا یک حکم مشخصی داشته باشد؛ بلکه حکمش در هر زمان با توجه به مقتضیات زمان و مکان از عمومات شرعی مربوط به خویش استنباط و استخراج می‌شود.

اگر حجاب در زمان پیغمبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله اجباری نبوده است، شاید بتوان گفت به دلیل نوپا بودن اسلام و نداشتن ثبات اجتماعی، درگیری زیاد در جنگ‌ها، لزوم ابلاغ تدریجی احکام و اموری از این قبیل باشد، نه به دلیل عدم مشروع بودن آن. همچنین

روشن و واضح است که در دوران بعد از رحلت رسول گرامی اسلام، جز مدت کوتاهی حکومت دست ائمه معصومین علیهم‌السلام نبوده است تا ایشان بتوانند در رابطه با اجباری‌بودن حجاب نظری بدهند؛ اما امروزه می‌بینیم که حکومت و اداره مملکت در دستان نیرومند نظام جمهوری اسلامی است و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به مطالب و براهینی که در طی این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، رعایت حجاب را امری اجباری دانسته و در واقع رعایت حجاب در حیطه جامعه یک قانون شده است و با متخلفین برخورد می‌شود. البته باید گفت که وجداناً نیز همین حکم و اجبار حجاب نیز یک حکم ضروری و لازم است و مراعات آن سلامت جامعه را تضمیین و تحکیم می‌کند.

نتیجه‌گیری

معنا و مفهوم حجاب را بررسی کردیم، همچنین مشخص شد که حجاب از دید دین مبین اسلام چه چیزی است. سپس جایگاه حجاب را در کلام خداوند و ائمه معصومین علیهم‌السلام مورد بررسی قرار دادیم و از همه مهم‌تر اینکه جایگاه حجاب را در زندگی اجتماعی و جامعه واکاوی و بررسی کردیم. همچنین از لحاظ شرعی و با کمک قواعد اصولی ثابت کردیم که حجاب یک حکم واجب شرعی است. از مجموع مطالب گفته شده به یک نتیجه مهم دست پیدا می‌کنیم و آن اینکه حجاب به عنوان یک مقوله و یک موهبت الهی برای بندگان یک مسأله ضروری و اجتماعی است و حفظ حجاب برای تمامی افراد یک جامعه یک امر ضروری و اجباری است؛ زیرا حجاب زمینه نمودش در جامعه است و افراد یک اجتماع به هر نحوی با آن درگیر هستند. از طرفی به خاطر اینکه یک حکم شرعی واجب نیز هست، اهمیت آن دو چندان می‌شود و مشخص می شود چون افراد جامعه با آن درگیر هستند و در صورت رعایت نکردن حجاب توسط یک فرد اثر سوء آن در افراد دیگر به وضوح قابل دیدن است؛ (به این صورت که مثلاً اگر فردی از افراد جامعه خود را ملزم به رعایت حجاب در محیط جامعه نکند، در واقع زمینه لغزش و به گناه افتادن دیگری را فراهم می‌آورد و چه بسا با همین رعایت‌نکردن حجاب سبب می‌شود شخص دیگری که در جامعه در حال زندگی است با دیدن آن شخص بی‌حجاب به لغزش‌های اخلاقی دچار شود و به سبب همین لغزش‌های اخلاقی ممکن است علاوه بر مبتلاشدن به قهر الهی، باعث به هم ریختن و از هم پاشیدن بنیان خانواده خویش شود) بنابراین، حجاب یک مسأله اجباری است و افراد جامعه موظف هستند برای حفظ امنیت و آرامش جامعه و رشد و پویایی یک جامعه سالم، حجاب را به عنوان یک مسأله فردی ـ اجتماعی رعایت کنند.

و از همین جاست که مشخص می‌شود افراد یک جامعه برای حفظ امنیت و آرامش خود و همنوعان خویش می‌بایست حجاب را رعایت کنند و در مورد رعایت حجاب

در واقع نوعی الزام و اجبار وجود دارد. به عنوان نتیجه این مقاله باید گفت کلام مغرضانه بعضی از بولهوسان مبنی بر اینکه انسان باید در زندگی خویش آزاد باشد و هرگونه که خود دوست دارد تصمیم بگیرد، چیزی بیش از یک نوع هوسرانی و پاسخ مثبت به هوس نیست. انسان از این جهت که یک بعد اجتماعی دارد که در واقع نمودش بیشتر از بعد فردی نیز هست، موظف است به قوانین زندگی اجتماعی احترام بگذارد و تابع قوانین اجتماعی باشد و از آنجا که حفظ حجاب از اهم قوانین اجتماعی است، مردم یک جامعه موظف به رعایت آن هستند.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، پیام مقدس، ۱۳۹۰.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ق.

۴. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.

۵. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۸ق.

۶. ابن درید، محمد ابن حسن ، جمهرة اللغة، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷م.

۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰.

۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر، تهران، ۱۳۶۳.

۹. ابن داوود سلیمان ابن اشعث، سنن ابن داوود، محقق ذهبی مصطفی محمد حسین، دار الحدیث، قاهره، ۱۴۲۰ق.

۱۰. فیومی، احمد ابن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیرللرافعی، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۱۴ق.

۱۱. محسنی گرگانی، احمد، درّ ناب در صدف حجاب، انتشارات علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶.

۱۲. قرائتی، محسن، پوشش زن دراسلام، نشر ناصر، تهران، ۱۳۷۰.